



باید منتظر بود. مکتب انتظار او، مکتب امید و مبارزه با یأس و ناامیدی است و با ظهور او، اصلاح جامعه به دست مصلح واقعی خواهد افتاد. اما معنای انتظار، بی تفاوت بودن و دست روی دست گذاشتن نیست. منتظران او، چون در انتظار «مصلح» اند، خود نیز باید «صالح» باشند و هرگز دل به دیگران نسپارند؛ چرا که مدعیان جهان، سرابی بیش نیستند و فقط اوست که چشمه جوشان «آب حیات» است...
منتظران حضرتش، ثواب کسانی را دارند که در رکاب رسول خدا ﷺ شمشیر می‌زنند، و منتظران او دلی پر از مهر و آراسته به صفات عالیه انسانی دارند و نیز زبانی دعاگو که:

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست
هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

□ □ □

و... اینک ای «قبله هر قافله و ای شیروان را مشعله!» نیمه شعبانی دیگر فرا رسیده و باز میلاد نور را جشن گرفته‌ایم.
همچنان «ظهور» را در انتظاریم؛ تا بیایی و وعده خدا را محقق نموده، و جهان را که آکنده از ظلم و جور است، با خورشید عالمتاب «عدالت مهدوی» پر فروغ نمایي...
«بیا مهدی! شب ما را سحر کن...»

اگر او را «غایب» نامیده‌اند، بدین علت است که «ظاهر» نیست؛ اما آیا «حاضر» نیست؟! آنان که غیبت را به معنی عدم حضور می‌دانند، از درک حقیقت «حضور» غافل‌اند.

صاحب دلانی که هر صبح جمعه، در «زیر باران ندبه»، آمدنش را به انتظار نشسته‌اند، ظهور او را می‌خواهند نه حضور او را. چرا که او در میان مردم، حضور دارد، اما از درک محضرش غافل‌اند؛ زیرا هر چشمی لیاقت دیدن او را ندارد. «دیدار» او دیده‌ای پاک از همه پلیدی‌ها می‌طلبد...

دیده را پاک کن آن گه سوی آن پاک نگر

چشم ناپاک کجا دیدن آن پاک کجا؟
... و آنان که هر شب چها شنبه، در ازدحام جمکرانش، همچون مادری گم کرده فرزند، «یوسف زهرا» را می‌جویند؛ تا نیم نگاهی به آن‌ها بیفکند و با نظر «کیمیایی» اش، دردهایشان را «دوا» کنند، اگر آینه دل را از زنگار زشتی‌ها بزدایند، قطعاً توفیق «دیدار» نصیب شان خواهد شد.

گفتم شبی به مهدی: «از تو نگاه خواهم»

گفتا که من هم از تو ترک گناه خواهم
باری... چشمان گناه آلود، قادر به «رؤیت خورشید» نیستند...



پرده نشین غیبت!...

مهدی محدثی